



## تحلیل و تبیین مردم شناختی فولکلور در بین مردم شهر گرگان (مطالعه موردی: تولد، ازدواج، مرگ)

رضا امامی

دانشجوی دکتری جامعه شناسی (آکادمی ملی علوم-ارمنستان)

### چکیده تحقیق:

فرهنگ عامیانه (فولکلور) که بخشی از فرهنگ توده مردم است و تخیل، احساس، آرزو و اندیشه‌های گوناگون را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده که دگرگونی معیارهای زیبا شناسی و اخلاقی یک قوم را آشکار می‌کند، در واقع مجموعه‌ای از دانش‌ها، باورها و رفتارهای گروهی اقوام است که با موازین علمی و منطقی جامعه انطباق ندارد و اجرای آنها برحسب عادت، تقلید، چشم وهم چشمی، نیاز و سرگرمی است این دانش‌ها عبارتند: از آداب و رسوم، تولد، ازدواج، مرگ، نحوه زندگی، جشن‌ها، پیشگوئی‌ها، خرافات، طبابت‌ها، بازی‌ها، آوازها، قصه‌ها و ... که بیانگر چگونگی تفکر و نحوه زندگی مردم در طول اعصار مختلف می‌باشد. هدف از این تحقیق، تحلیل و تبیین مردم شناختی فولکلور در بین مردم شهر گرگان (مطالعه موردی: تولد، ازدواج و مرگ) می‌باشد که بدلیل گستردگی عناصر و عوامل فولکلوریک مورد تحدید و تدقیق قرار گرفته است. روش تحقیق فوق ژرفانگرو تکنیک گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده، مشاهده مشارکتی، مصاحبه، مطالعه اسناد و مدارک، کتابها، عکس‌های مربوطه، دست نوشته‌ها، اطلاعات سینه به سینه اهالی، بزرگان و مطلعین محلی می‌باشد، که به تحلیل و تبیین عناصر فولکلوریک محلات شهر گرگان پرداخته شده است و نهایتاً "پس از شناخت و تحلیل سه مؤلفه تولد، ازدواج و مرگ بر اساس یافته‌های تحقیق با توجه به وجود باورهای فولکلوریک مردم شهر گرگان در دنیای نوین، تاثیرات مثبت آن بر نوع امرار معاش، میزان آرامش روان، میزان تعاون و صمیمیت و باورهای دارای کارکرد و بدون کارکرد در جنبه‌های متنوع فرهنگ عامه (فولکلور) مشاهده گردید.

کلیدواژه‌ها: فولکلور (فرهنگ عامیانه)، فرهنگ، ادبیات شفاهی



## ۱-مقدمه :

فولکلور گنجینه رازها و رمزهای کهن یک ملت است که قسمتی از شخصیت و هویت آن ملت را تشکیل می دهد. برای شناخت هر قوم، قبیله، ایل و طایفه ای باید فرهنگ یا فولکلور آن را مورد بررسی قرار داد. فولکلور شامل مطالعه اساطیر، افسانه ها، قصه ها، شوخی ها، ضرب المثل ها، معماها، آوازها، طلسم ها، دعاها، نفرین ها، قسم ها، آداب اجتماعی، لغات و اصطلاحات، رسوم زندگی روزمره، اعتقادات، باورداشت ها، آداب و سنن و آیین جشن های مذهبی، ملی، موسمی و ادواری، مراسم گذرنده، مراسم سوگواری، تعزیه و روضه خوانی، خوردنی ها و نوشیدنی ها، نحوه، ابزار و ادوات پخت آنها، زبان های ساختگی، هنرهای عامیانه، حرف و صنایع گوناگون است. در حقیقت می توان گفت که دنیای فولکلور دنیای زندگی واقعی توده هاست توده های مردمی که از دیرباز در آن زیسته، اندیشیده، گریسته، خندیده، شکست خورده و پیروز شده اند و همه تجارب را چونان یادگاری ارزنده و گرانبها به نسل های بعدی باز سپرده و بدین شیوه روزگار گذرانده اند. فولکلور از جهت ارزشی دارای دو بعد جهانی و ملی است. ارزش جهانی دانش عوام هر ملتی آیین ذوق، هنر، معرفت، خلق و خوی آن ملت است و چون با فولکلور ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد می تواند سفیر دوستی یک ملت نزد سایر ملل جهان باشد. فرهنگ عامه در واقع مهر و محبت ها را استوار می سازد و با ایجاد وابستگی های قومی و نژادی سبب پیوند دوستی عمیق ملت ها می گردد و کینه ها و دشمنی ها را از میان برمی دارد. از بعد ملی فرهنگ عامه هر ملتی در حکم زندگینامه و شرح احوال توده عوام آن ملت است و روشننگر سوابق تاریخی و آداب و عادات آن قوم و نشان دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم آن کشور است و فولکلور ایران اسلامی با وجود اختلافات ظاهری همچون شاخه های یک درخت واحد هستند که از یک ریشه تغذیه می کنند و این خود سندی بر پیوستگی و یگانگی این مرز و بوم است.

## ۱-۱- بیان مسئله :

از آموزه های مهم در معرفت عامه فرهنگ این است که: "گذشته چراغ راه آینده است". این حکمت عامیانه، ارزش تاریخ را بیان می کند و ضرورت مطالعه را نشان می دهد. امروزه عالمان علوم اجتماعی نیز بر این باورند که بدون تحصیل دانش تاریخی، درباره پدیده های اجتماعی و انسانی نمی توان به تبیین علمی آنها دست یافت.

فرهنگ مردم هر ملتی دارای ویژگی ها و خصایصی است که باعث جدایی و تمایز جامعه ای از دیگر جوامع می شود. در عین حال، فرهنگ عامه همبستگی های انسانی را نیز در نظر دارد زیرا پایه آن نیازهای اصلی و واقعی بشر نهاده شده است و تا حد زیادی بطور طبیعی در میان اقوام و قباایل گوناگون اشتراک دارد. انسان ها به لحاظ روحی و روانی از وحدت برخوردارند و همین نکته باعث و بانی وجود شباهت در انسانها و موارد مربوط به فولکلور در نقاط مختلف جهان می باشد. از طرفی هر فرهنگی در طی قرون متمادی با فرهنگ های دیگر برخورد و ارتباط می یابد و به تبادل می پردازد و وجوه اشتراک بین آنها پدید می آید که موجب احساس همبستگی های بشری و پیدایش روحیه مسالمت آمیز بین ملت ها می شود.



باورهای فولکلوریک به نوعی باعث ایجاد همبستگی و تعاون اجتماعی و همچنین نوعی وحدت روانی و احساس آرامش در افراد در سطح وسیع می گردد که این قابل تعمیم در سطح خردتر مثلاً فرهنگ یک شهر یا روستا می باشد. از ویژگی های بارز فرهنگ عامه، پیوندی است که این فرهنگ با زندگی تولیدی جامعه دارد. ادبیات شفاهی بعنوان بخشی از فولکلور، محقق را با مسائل معیشتی و اقتصادی مردم و دوره های متمادی که در ایجاد این مسائل طی شده است، رویارو می کند. در واقع جنبه های زندگی تولیدی جامعه و پدیده های مادی آن بر مفاهیم معنوی، اعتقادات و نحوه زیست مردم اثر مستقیمی دارد و همانگونه هم اعتقادات، اندیشه ها و اصول مذهبی، جهت و هدف زندگی مردم یک جامعه را مشخص و معین می کند. در بعضی موارد هم، شرایط مذهبی اوضاع اقتصادی را تحت الشعاع قرار می دهد. مردم خود را ملزم می دانند از انجام کارهای احیاناً سودآوری که با اعتقادات و دیدگاه های مذهبی شان مبیانت دارد، دوری کنند (مثل تغییر هفت شین به هفت سین نوروزی بعد از ظهور اسلام و حرام دانستن شراب).

لذا در این تحقیق به بررسی تأثیر باورهای فولکلوریک (تولد، ازدواج و مرگ) در بین مردم شهر گرگان بر میزان امرار معاش، میزان ایجاد آرامش روان، میزان ایجاد تعاون و صمیمیت میان افراد، بررسی باورهای دارای کارکرد و بدون کارکرد (کم کارکرد یا تغییر کارکرد) و همچنین بررسی باورهای فولکلوریک در جنبه های متنوع فرهنگ عامه مردم گرگان، پرداخته خواهد شد.

#### ۱-۲- اهمیت موضوع تحقیق :

فرهنگ عامه (فولکلور) ایران با اینکه از غناء و عظمت خاصی برخوردار است متأسفانه کمتر مورد تحقیق و تحلیل قرار گرفته است. کسانی هم که به فرهنگ مردم عنایتی داشته اند، اغلب به گردآوری مواد آن پرداخته و از پژوهش در آن و بررسی و تحلیل غافل مانده اند. امروزه ورود بشریت به هزاره سوم با دستیابی به فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، سرعت تغییرات را در همه ابعاد وجودی دو چندان کرده است. شرایط نوین جهانی ایجاب می کند تا توجه ملت ها بویژه ملت های صاحب تمدن و فرهنگ به مقوله خودباوری و هویت ملی مضاعف گردد. برای رسیدن به خویششن شناسی ملی لازم است تا با گذشته تاریخی، تمدنی و فرهنگی خود آشتی کنیم، هویت اسلامی و مذهبی خود را درک کرده، عناصر مثبت و سازنده فرهنگ خود را شناسایی و احیاء نمائیم، خودباوری را تقویت و در جهت اشاعه آن بکوشیم و بالاخره سرچشمه حیات و اقتدار ملی خود را بر پایه های آن بنا کنیم. بخش عظیمی از فرهنگ غنی و استوار ایرانی، شفاهی و سینه به سینه می باشد لذا برای بررسی این حوزه از فرهنگ لازم است تا به مدد روش های خاص مردم شناسی، عناصر فرهنگی شناسایی و ثبت و ضبط شوند و این بر گردن هر ایرانی رسالتی می گذارد تا در شرایط جدید جهانی، با علاقه، آداب و رسوم و سنت های بجا مانده را با کمک علم، تحلیل کرده و مکتوب نماید.

لذا با درک چنین ضرورتی اقدام به جمع آوری و مکتوب نمودن عناصر و باورهای فولکلوریک مردم شهر گرگان که قدمتی بیش از ۵۰۰۰ سال دارد، نموده باشد که چراغ راهی هر چند کم نور برای آیندگان باشد و به ترویج و یا باسازی این عناصر فرهنگی و اعتقادات که نشات گرفته از فرهنگ و فولکلور مردم این سرزمین است کمکی شده باشد، با چنین اقدامی هم زمینه های مثبت ثبت و ضبط عناصر مثبت و منفی فرهنگی فراهم می آید و هم موجبات نقدپذیری فرهنگی و تفکر انتقادی در جامعه فراهم می شود.



### ۱-۳- ادبیات تحقیق :

فولکلور و فرهنگ :

واژه folklor مرکب از دو بخش folk به معنی توده و مردم و lore به معنی دانش است. این واژه نخستین بار در سال ۱۸۴۶م. توسط باستان شناس انگلیسی ویلیام جان تامز (W.g.thoms) با نام مستعار "امبروزمورتون (Ambrose Mortonu)" ساخته شد. ویلیام تامز، فولکلور را به عنوان جانشینی برای اصطلاح نادرست "عتیقات عامیانه" پیشنهاد کرد که عتیقه شناسان انگلیسی و زبان شناسان آلمانی در نیمه نخست سده نوزدهم میلادی برای مطالعه راه و رسم زندگی طبقات پایین اجتماع ساخته بودند.

ویلیام تامز فولکلور را به گونه ای نظم علمی می دانست که موضوع آن بحث درباره دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی است. اگرچه از نیمه دوم قرن نوزدهم همگام با گسترش علوم اجتماعی و به خصوص مردم شناسی فرهنگی شاخه علمی جدید فولکلور رفته رفته توسعه یافت. لیکن همیشه به عنوان یک نظام علمی که به موضوع خاصی می پردازد و در خود آن موضوع نیز گونه ای ابهام وجود دارد به کار رفته است.

در حال حاضر تحقیقات زیادی که در کشورهای مختلف در زمینه گردآوری موضوعات فرهنگ عامه انجام گرفته است و در نتیجه توسعه علم مردم شناسی و قوم شناسی، فولکلور به یک رشته علمی و دانشگاهی تبدیل شده است که در آمریکا و برخی کشورهای دیگر در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دوره های تخصصی تحصیل و تدریس می شود و به مطالعه فرهنگ عامه می پردازد و در زبان فارسی می توان آن را "فرهنگ عامه شناسی" نامید.

ویژگی های زیر را می توان برای فولکلور بر شمرد:

- فولکلور، اعمال و رفتار جمعی و گروهی است که در بین عامه ی مردم، رایج است. بنابراین، عمل و رفتار یک فرد با یک خانواده را نمی توان فولکلور نامید.

- ابداع کننده و به وجود آورنده و نیز زمان شروع رفتارها و اعمال فولکلوری معلوم نیست.

- عادات فولکلور در مجموعه فعالیت های زندگی اجتماعی، نقشی به عهده دارند.

- اعمال و رفتارهای فولکلور به مناسبت و بنا بر مقتضیات زمان، تکرار می شوند؛ یعنی آنچه در یک یا چند مرثیه و یا فقط در دوره ای خاص و محدود اتفاق افتد، در شمار فولکلور نیست.

- فولکلور در جریان انتقال، موافق مقتضیات نسل ها، دگرگون می شود.

رفتارهای فولکلوریک، از حاکمیت اندیشه ای خاص که برخلاف میل توده باشد، پیروی نمی کنند، هر چند آن تفکر بر جامعه، حکومت داشته باشد.

شایان ذکر است که آداب و رسوم و رفتارهای فولکلور هر منطقه، برای مردم همان منطقه، «سنت» و برای مردم سایر نقاط، به عنوان «فولکلور» خاص آن منطقه شناخته می شود.





یکی دیگر از ویژگی های فولکلور، تکرار پذیری و قابلیت انتقال آن به نسل های آینده است. از این رو می توان فولکلور هر منطقه را مجموعه ای از رفتارها، گفتارها، پوشش ها، آداب و رسوم و عاداتی دانست که افراد آن منطقه، آنها را گذشتگان و نیاکان خود به ارث برده اند؛ عاداتی که شاید از ابتدای بشریت آغاز شده و یا لاقط، مربوط به دوره های بسیار باستانی باشند. به عبارت کلی تر می توان فولکلور را میراث قومی و معنوی یک ملت دانست.

بنابراین، برخلاف تصور بسیاری که فکر می کنند فولکلور، تنها مربوط به گذشتگان و جنبه های مختلف زندگی آنهاست، باید گفت که هر چند فولکلور (یا همان دانش عامیانه)، میراث پیشینیان است، اما در حال حاضر و در جوامع امروزی نیز وجود دارد و هنوز هم زنده، پویا، جذاب و با صلابت، بر پای ایستاده است و مردم، در حال حاضر نیز با مجموعه ی دانسته هایی که از گذشته های دور و از نسل های گذشته به جا مانده و سینه به سینه، جا عوض کرده و به آنها رسیده است، زندگی می کنند و در حقیقت، همین فولکلور است که تا حد زیادی به زندگی آنها معنا و مفهوم می بخشد و آنها را به ادامه ی زندگی، دلگرم می سازد. در واقع، اگر فولکلور یک ملت را از آن بگیریم، تمام هویت آن ملت را گرفته ایم که بدون آن، زندگی، غیر ممکن خواهد بود. هر چند که فولکلور حاکم بر زندگی امروز، با فولکلوری که پیشینیان ما با آن زندگی می کرده اند، متفاوت است، اما به هر حال، بخشی از میراث گذشتگان است که بنا به مقتضیات زمان و شرایط امروز، تغییراتی در آن به وجود آمده است و به شکل قابل استفاده برای زندگی تبدیل گردیده است. حتی این احتمال وجود دارد که یک رفتار فولکلوریک در یک دوره ی زمانی و بنا بر شرایط حاکم فراموش شود، اما در دوره های بعد و با تغییر شرایط، دوباره فعال می گردد و حتی شاید پرتنگ تر از قبل، در جامعه ی جدید ظاهر گردد.

وجود پیشینه ی کهن و درخشان تاریخی، زندگی اقوام و طوایف مختلف در کنار هم و شرایط متغیر آب و هوایی، باعث شده است که کشور ما دارای گنجینه ی بسیار غنی و سرشار از آداب و رسوم، لهجه ها، پوشش ها، قصه ها، افسانه ها، خرافات، بازی ها و... باشد و به همین دلیل، دامنه ی فولکلور در ایران، بسیار وسیع و متنوع است.

یکی از مهم ترین دلایل غنای گنجینه فولکلور ایران، آمیخته شدن آن با فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی است. ایرانیان، تا قبل از ورود اسلام به سرزمینشان نیز مردمی با تمدن و دارای فرهنگ و آداب و رسوم شناخته شده در بین ممالک آن زمان بودند، و پس از پذیرش اسلام، این آداب و رسوم نه تنها رنگ نباختند و از بین نرفتند، بلکه در پرتو تعالیم اسلامی رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند، و کامل تر از قبل به حیات خود ادامه دادند. برای مثال می توان به عید نوروز اشاره نمود که از رسوم بسیار کهن سرزمین ایران به شمار می آید و با ورود اسلام نیز نه تنها از بین نرفت، که توانست با بهره گیری از عناصر فرهنگ اسلامی جنبه ی دینی پیدا کند و همراه با این عناصر گران بها، کامل تر و جذاب تر از پیش و به عنوان میراثی گران بهایی برای آیندگان به یادگار بماند. (هدایت، ۱۳۸۴)

تحقیقات انسان شناسی فرهنگی اثبات کرده است که انسان در مراحل تکاملی خود بخصوص در مرحله اندیشه ورزی و تعامل آگاهانه تر با طبیعت و جامعه، به مرور در مسیرانباشت دانش عامیانه خود قرار گرفت و صاحب سرمایه های بی بدیلی گردید.

دانش عامیانه، مبین شناخت و آگاهی اجتماعی است که پاک، بی پیرایه و سالم، هویت یک گروه اجتماعی را ترسیم می کند، وقتی می گوئیم مردم یک گروه، یک ایل و یک قوم به هم وابستگی و پیوستگی دارند، یعنی همه آنها در حیات مشترک فرهنگی تاریخی با همان



دانش عامیانه خود مرتبط هستند و همان دانش را در رفتار، گفتار و کردار خویش و زندگی روزمره خود به نسل های بعدی آموزش داده و منتقل کرده اند، به همین دلیل فولکلور پلی ارتباطی است که وابستگی های درونی فرهنگ و انسجام فرهنگی جوامع را تحکیم می بخشد و ضمانت می کند.

در کلان شهرها گاه شهروندان غریبی به هم می رسند که به محض آشنایی از طریق لهجه، شخص مقابل را درون گروه خود تلقی می کنند و سطح توقعات و همراهی های خود را بالا می برند، گویی در غربت پناهی یافته اند. از همین رو واژه های همولایتی و همشهری و ... عظمتی از تعهدات را متجلی می کند و آرامشی درونی را رقم می زند، چنان که می کوشند مدد رسان یکدیگر باشند، شبیه چوپانانی که هریک گله های خود را در صحراهای پهناور و دشت های وسیع و دور دست می چرانند و از دور صدای نی و دوییتی های خاص آنها با حالتی محزون به گوش می رسد هریک پیام آشنایی و تقرب برای دیگر چوپانان می گردید. این وجوه مشترک زمینه ساز احترام، همبستگی و همراهی می گردد و یا به طریق اولی همین هم آوایی هاست که هر عنصر ارتباط را معنا می بخشد. از این معبر می توان هم راه به همزبانی برد و هم راه به همدلی ها ...

گاه افراد غریب تازه به هم رسیده، جستجو گر ویژگی های ظریف تری هستند و می کوشند به عناصر مشترک دیگری دست یابند و از آن طریق تلخی غربت خویش را بزدايند، لذا علاوه بر همشهری و همولایتی، سراغ مشاغل یکدیگر را می گیرند و اگر هردو مثلاً "قصاب، نانوا و کشاورز و ... باشند یا هردو مالباخته باشند، همه اینها ارتباط را عمیق تر می سازد و همدردی و مساعدت را بیشتر می کند. به واقع همین عناصر ساده که موقعیت های مشترک دو طرف را بیان می کند، زمینه های ارتباط اند و اینها همان رمزهای پنهان و شگفت انگیز مشترکات زندگی جمعی انسان هاست. در چنین احوالی، عناصر ساده فولکلوریک یک قوم کار به اعجاز می برد، به گونه ای که به جرئت می توان گفت، قانون، ضوابط و الزامات تحکمی، آنچنان کارکرد موثری نخواهد داشت و آنقدر که این وجوه مشترک عامیانه کارسازند، انضباط و معاهدات رسمی راه به جایی نمی برند. (مظاهری، ۱۳۸۶)

ادبیات شفاهی:

در قلمرو ادبیات شفاهی که خود بخش عمده ای از فولکلور و میراث فرهنگی و اجتماعی محسوب می شود، مانند: قصه ها، ترانه ها، متل ها، لالایی ها، چیستان ها، بازی های کلامی و غیره، به روشنی معنا و اهمیت فرایند ارتباط قابل مشاهده است. قصه های عامیانه از محکم ترین عوامل و فاکتورهای ارتباطی بین نسل هاست، قصه هایی که سینه به سینه آمده اند و کودکان و جوانترها در محفل خانواده و خانوار، صمیمانه و عاشقانه از زبان شیرین مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها آن را شنیده اند. گاه نیز شخصیت های آن قصه ها ی عامیانه، همچون ملکه های ذهنی نسل های بعد، در محاوره ها و گفتگو های روزانه و برای تشبیهات پدیده های مختلف زندگی اجتماعی، به کار رفته و می روند و مانند «دخترک ماه پیشونی» قهرمانی که با اسب سفید می آید، یا گرگ مکاری که پشت درب خانه بزک زنگوله پا قصد فریب دارد و یا عنصر شگفت انگیز و تراژیک سنگ صبور و غیره. باید توجه داشت که فولکلور، خاص جامعه روستایی و عشایر نیست و در جامعه صنعتی و ماشینی نیز در هیئت های متفاوتی ظهور و بروز دارد و کماکان همان نقش ارتباطی و پیامدار خود را ایفا می کند.



(احمد پناهی، ۱۳۷۷)

ادبیات شفاهی را در برابر ادبیات مکتوب به کار می‌برند. ادبیات مکتوب نوشتارهایی که از راه کتابت از زمانهای دور تا امروز آمده است و نویسندگان و گویندگان شناخته‌ای دارد، اما ادبیات شفاهی به اصطلاح "سینه به سینه" به ما رسیده است و راویان و سرایندگان شناخته‌ای ندارد. ادبیات شفاهی را به افسانه، ترانه، ضرب‌المثل، لالایی، مثل، چیستان و امثال آن تقسیم کرد و بعد به انواع کوچکتر فرعی از قبیل ضرب‌المثل، چیستان و اصطلاحها. (سادات اشکوری، ۱۳۷۵)

ادبیات شفاهی کارکردهای گوناگونی دارد. ادب عامه به ویژه شکل‌های قصه و حکایت و چیستان، بجز نقشی که در سرگرم کردن مردم دارند و این از کارکردهای پیدا و آشکار ادب عامه است، کارکرد های دیگری هم دارند که مهمترین آنها نقش‌های آموزشی، نظم‌دهی، روانشناسی و ثبات‌دهی به فرهنگ است. (بلوکباشی، ۱۳۵۶)

ادبیات شفاهی از عمق اجتماع برخوردار است. این ادبیات که از رنج و درد و کار و معیشت مردم نشانه‌ها دارد، نه تنها به مردم به معنای عام وابسته است، بلکه در ادبیات مکتوب نیز رسوخ کرده و به زبان و بیان ناموران عرصه ادب، به معنای خاص راه یافته است. تاثیر متقابل ادبیات شفاهی و ادبیات مکتوب را در تداول عام نیز می‌توان شاهد بود: آنجا که استناد به قول معروف می‌شود، از اندیشه مندی سخن به میان می‌آید که به امور و مسائل حیات اشراف دارد اما کسی نامش را نمی‌داند و این شخص وابسته به فرهنگ خاصه است نام برده می‌شود که سخنش مشابهتی با سخن فرد ناشناس فرهنگ عامه دارد. (سادات اشکوری، ۱۳۷۷)

#### ۱-۴- پیشینه تحقیق:

تهیه و گردآوری فولکلور یا فرهنگ عوام از قدیم الایام تا حدی مورد نظر بوده و آثاری نیز در این زمینه موجود است، اما در زمان معاصر به‌طور جدی‌تر به آن پرداخته شده و صادق هدایت جزو پیش‌آهنگان و راهگشایان این امر مهم و فرهنگی بوده است.

او اصول مدونی را برای تهیه این آثار که نوعاً و عموماً شفاهی هستند، ارائه و منتشر کرد و خود به‌طور فنی سیستماتیک به این کار پرداخت. البته قبل از او چندین مورد از رضایت‌های سامان داده شده و بهنجار در جهت گردآوری واژگان‌ها و مثل‌ها و واسونک‌ها و ترانه‌های عاشقانه روستایی و محلی و غیر آنها بخصوص از سوی خارجی‌ان مقیم ایران صورت گرفته بود.

باید از هانری ماسه فرانسوی اسم برد که در سال ۱۳۰۱ ش، به ایران سفر و به‌طور علمی و به‌عنوان یک کار ارزنده پژوهشی غیرشخصی به گردآوری آثار و اسناد و ضرب‌المثل‌ها و مثل‌های علمی همت گماشت و مبحث مردم‌شناسی را به‌طور عامیانه مطرح کرد. عنوان کتاب که بعداً در این زمینه به زبان فرانسوی منتشر کرد، معتقدات و آداب ایران است که خوشبختانه به فارسی ترجمه شده «کلنل لریمر انگلیسی» نام برد که همراه همسرش که در زمان جنگ بین‌الملل اول (۱۹۰۸ تا ۱۹۱۸ میلادی - ۱۲۷۶ شمسی) در ایران بوده، درباره فولکلور کرمان



مناطق بختیاری و دزفول، تحقیقی هر چند ناقص اما سودمند انجام داد و مقداری از افسانه‌های آن مناطق را در کتابی با مشخصات ذیل گردآوری و در سال ۱۹۱۹ میلادی به طبع رسانده است:

Lorimer, D.L.R. and E.O. – Parsian, Tale, written down for the first time in the original kermani and bakhtiari and translation, 1919.

خانم «لریمر» در این کار سهمی بسیار ارزنده داشته و با دقت و علاقه‌مندی این کار را انجام داده است. کلنل لریمر در ایام یاد شده در کرمان، دزفول و مسجد سلیمان، مأموریت‌هایی داشته و آنها اوقات فراغتی داشته‌اند و با حوصله تمام این کار را به سامان آوردند. در این کتاب واژگان لهجه‌ها با خط فنوتیک (آوانگاری) نوشته شده و طبعاً خواندن آن‌ها را تسهیل می‌کند.

«اون والا» از پارسیان هند که پزشک میسیون علمی فرانسه در شوش بوده (بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۲ میلادی - ۱۹۲۸ تا ۱۳۹۰) کتاب کوچکی درباره لهجه‌های دزفولی و لری لکی نوشته که در آلمان چاپ شده است.

با مطالعه کتاب «علویه خان و ولنگاری (۱۳۱۲ش) هدایت از زبان زن متکدی بیسواد تا حدی لمپن با تعداد زیادی ضرب المثل و عبارات عامیانه آشنا می‌شویم. البته قبل از هدایت، سیدمحمدعلی جمال‌زاده و حسن مقدم (علی نوروز) نیز زبان عامیانه را در آثار و داستان‌های خود به کار برده و مقادیری از واژه‌ها و عبارات فولکلور یک را به خوانندگان عرضه کرده‌اند. (سجادی، ۱۳۹۴)

اندیشمندان فرهنگ دوست ایران زمین به منظور آنکه فرهنگ شفاهی در مسیر پرتلاطم روزگار از بین نرود آن را از حالت شفاهی به رشته تحریر کشیدند و در این میان حکیم ابوالقاسم فردوسی بهترین فردی است که با توجه به اوضاع نابسامان روزگارش به گردآوری گنجینه‌های ملی و فرهنگ شفاهی ملت خویش همت گماشت. وی هسته اصلی فرهنگ مردمی مکتوب منظوم را بوجود آورد و آیین‌های ملی و کهن ما را به زبانی روان و رسا ثبت کرد او شاهنامه را که گنجینه فرهنگ مردم است را طی ۲۵ یا ۳۰ سال پدید آورد. مختارنامه از جمله کتبی است که همه مطالب آن با واقعیات تاریخی مطابقت ندارد بلکه آمیخته با احساسات مردم است، مضمون کتاب در خصوص نفرت مردم از قاتلین اباعبدالله و انتقامجویی مختار ثقفی است.

اسکندریه نامه رستم همچنین منظومه‌های «رستم نامه» و «اسکندریه» از باذل مشهدی و «حمله حیدری» منظومه‌ای به وزن مثنوی سروده ملا بمونعلی راجی کرمانی (قرن ۱۲ هـ) در خصوص رشادتهای حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) به شیوه شاهنامه‌ای سروده و حقایق تاریخی را با آرایه‌های ذهنی و عاطفی درهم آمیخته است. همچنین کتاب «رموز حمزه» درباره رشادت‌های حمزه عمومی پیغمبر اسلام در میان عامه مردم رواج خاصی دارند. «مهرت نسیم» عیار شخصیت اول اسکندرنامه بواسطه زرنگی هایش به صورت یک سمبل درآمد و در افواه عوام و اصطلاحات و امثال از او نام برده می‌شود.

حسین کرد شبستری داستانی گیرا و وابسته به ادبیات فولکلور دهها سال است که توسط مردم عادی و عامی خوانده و نقل می‌شود.





مثنوی مولانا کتابی مالامال از حکم و امثال و مولانا با ثبت این ضرب المثل ها آنها را از خطر فراموشی نجات داده است . داستانهای عامیانه ایران اثر فولکلوریک دکتر محمد جعفر محبوب (۱۳۰۲-۱۳۷۴) است . طوطی نامه یا چهل طوطی ترجمه ضیاء نبخشی ( متوفی ۷۵۱ هـ ق ) شامل قصه و حکایت است .

سمک عیار از فرامرز بن حداد کاتب در دو جلد داستانی است برخاسته از فرهنگ سینه به سینه مردم که در سال ۵۸۵ هـ ق نوشته شده و شرح زیرکی ها ، شجاعت ها ، زنگی های قهرمان ریزنقشی است به نام سمک عیار . کتاب الف لیل و لیل ( هزار و یک شب ) ترجمه ملا عبدالطیف طسوجی تبریزی که در آن ردپایی از چهل طوطی به چشم می خورد .

فتوتنامه سلطانی نوشته ملاحسین کاشفی واعظ سبزواری کتابی است داستانی در شرح دلآوری های فتیان لحن گفتار و نثر کتاب به ادبیات عامیانه مربوط می گردد . کتاب طنز آمیز کلثوم ننه یا همان عقاید النساء تالیف شخصیتی روحانی و دانشمندی با تقوا به نام آقاجمال خوانساری است شامل آداب، معتقدات، رسوم و خرافات زنان در دوره صفویه است.

ملا حسین کاشفی واعظ سبزواری در مورد جادوگری کتابی دارد به نام اسرار قاسمی چون پایه علمی ندارد طبعاً جزو فرهنگ عوام است . ( سجادی ، ۱۳۷۸ )

علامه دهخدا نیز با کتاب های ارزشمند «امثال وحکم» و «چرندو پرند» فارسی زبانان را به ارزش و اهمیت اصطلاحات عوامانه آگاه ساخت. سیدمحمدعلی جمالزاده با کتاب «یکی بود یکی نبود» زبان عامیانه را در آثار خود به کار برده و مقادیری از واژه ها و عبارات فولکلوریک را بدین ترتیب حفظ و ضبط کرد .

از دیگر پیشکسوتان این وادی امیرقلی امینی اصفهانی است که با چاپ هزارو یک سخن، داستان های امثال و فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی در شناساندن ادبیات عامیانه (شفاهی) گام های بلندی برداشت .

حسن مقدم (علی نوروژ ) فرزند ارشد محمدتقی احتساب الممالک ( ۱۳۰۴ — ۱۲۷۷ ) علاوه بر کارهای متعدد و ادبی مقداری از مثل های عوامانه مردم تهران را جمع آوری کرد . (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱)

محققان غربی نیز به جمع آوری قصه های ایرانی همت گماشتند و یکی از اهدافشان از انجام این عمل تحقیق در مورد لهجه ها بود از جمله کتاب های لهجه شناسی مربوط به متون ایرانی باید از آثار اسکارمان و آرتور کریستین سن و در دوران اخیر از مجموعه وسیع رویلهم ایلرس یاد کرد و از جمله کتابهایی که توجه به لهجه شناسی شده آثار فیلیوت و لوریمر است. (مارزلف، ۱۳۷۱)

برخی محققان فرهنگ عامه خارجی که آثاری پیرامون آداب و رسوم، اعتقاداتها و باورداشتهای و ابعاد گوناگون فرهنگ مردمی ایرانیان دارند ، ذیلا معرفی میگردند:



نخست باید از کریستن سن - محقق نامدار دانمارکی- یاد کرد که آثاری چون نمونه اولین انسان و اولین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران و داستان‌های عامیانه ایرانی (متن فارسی و ترجمه دانمارکی با شرح و حواشی) را تألیف کرده که این دو کتاب با هم در ۱۹۱۸م. تحت عنوان حکایت‌های ایرانی در زبان عوام چاپ شده است. (شفا، ۱۳۵۱)

دیگر، اسکار مان - مدیر شعبه شرقی کتابخانه پادشاهی برلین - است که در کتاب خود، به لهجه‌های مختلف زبان فارسی و کردی، حکایاتی نقل کرده که حائز اهمیت است. این کتاب بین سال‌های ۱۹۰۵م تا ۱۹۱۰م منتشر شده است.

همچنین، لوریمر که علاوه بر تألیف کتاب فرهنگ مردم کرمان، مجموعه قصه‌های لری و بختیاری را با کمال معرفت و حسن ذوق از زبان لرها و بختیاری‌ها جمع‌آوری و به زبان انگلیسی ترجمه کرده است. (کریستن سن، ۱۳۴۱ق)

در سال ۱۸۳۲، جیمس اتکینسون که با ترجمه شاهنامه فردوسی، فریفته داستان‌های حماسی ایران و از آن رهگذر دل‌بسته قصه‌های عامیانه و فولکلور ایران شده بود، قصه‌های کلثوم‌ننه را تحت عنوان عادات و رسوم زنان ترجمه کرد. (طاهری، ۱۳۵۲)

در زمینه تعزیه و جمع‌آوری تعزیه‌نامه‌های ایرانی، نام افرادی چون کنت دوگوبینو، الکساندر خودزکو، شارل ویرولو، ویلهلم لیتن، لوئیس پلی، کریمسکی، برتلس، ویلیام بنجامین امریکایی درخور ذکر است. توجه این محققان بزرگ خارجی به تعزیه - هنر بومی و عامیانه ایرانی - موجب شد که پژوهشگران و خاورشناسان دیگری به تحقیق در مسائل داستانی و فرهنگ عامه ایرانی در ابعاد گوناگونش اقدام کنند؛ از جمله ادوارد مونتاین کتابی به نام داستان‌های ایرانی تألیف و به سال ۱۸۹۰م. در پاریس منتشر کرد که منبع تحقیق مفیدی برای فولکلور ایران است.

هانری ماسه - خاورشناس مشهور فرانسوی - نیز در این باب زحمت بسیار کشیده و چندین کتاب درباره ایران و ایرانیان تألیف کرده است. وی در کتاب قصه‌های عامیانه ایرانی که به سال ۱۹۲۵م. در پاریس چاپ کرده، قصه‌ها و مثل‌هایی از فارسی به فرانسه ترجمه و متن خراسانی دو قصه را هم ضمیمه کرده است. همین دانشمند بعدها در کتاب دیگر خود با عنوان آداب و عقاید ایرانیان (ماسه، ۱۳۵۵) تقریباً همه نیرنگستان و اوسانه صادق هدایت و چهارده افسانه کوهی کرمانی را با اسناد و شواهد دیگر در دو جلد به سال ۱۹۳۸م. به چاپ رسانیده است. این کتاب، جامع‌ترین و مستندترین کتابی است که به زبان خارجی درباره فولکلور ایران نوشته شده است. (آرین‌پور، ۱۳۷۴)

در سال ۱۶۴۴، لوینوس وارنر کتابی تحت عنوان صد گفتار و مثل فارسی را در لیدن منتشر کرد (شفا، ۱۳۵۱). البته پژوهش‌های محققان خارجی بدین مقدار محدود نمی‌شود و آثار فراوان دیگری هم در این زمینه وجود دارد. به‌ویژه، مطالب فراوانی که در سیاحتنامه‌ها و سفرنامه‌های سیاحان خارجی از زمان صفویه به این طرف وجود دارد که خود تحقیق مفصلی را می‌طلبد؛ مانند سفرنامه تاورنیه (ترجمه ابوتراب نوری، چاپ دوم، اصفهان، کتابفروشی تأیید، ۱۳۳۶) که در اثر خود با موشکافی عجیبی جامعه ایران عهد صفویه و عادات و رسوم و افکار و عقاید آنها را به ما نشان داده است، یا سفرنامه دروویل (ترجمه جواد محیی، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۳۷) که در فصل‌های پانزدهم و شانزدهم آن مراسم نامزدی و عروسی و طلاق و وضع بیوه زنان توصیف شده است، یا سفرنامه‌های اوژن فلاندرن و شاردن و فوریه و دیگران



که تصویرگر آداب و رسوم و آیین‌ها و باورداشتهای مردمی از گذشته‌ها و روشنگر بسیاری از زوایای حیات اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی گذشته ما هستند.

#### ۱-۵- دیدگاه‌های صاحب‌نظران پیرامون موضوع تحقیق:

##### سر ادوارد بارنت تایلور :

برای درک درست فولکلور یا فرهنگ عامه ابتدا باید به چستی فرهنگ پردازیم. فرهنگ تاکنون بیش از دویست و پنجاه بار توسط اندیشمندان مختلف بازتعریف شده است، اما نخستین تعریف مردم شناختی فرهنگ را مدیون ادوارد بارنت تایلور (۱۹۱۷-۱۸۳۲) مردم شناس انگلیسی هستیم : فرهنگ یا تمدن، در گسترده ترین معنای مردم شناختی خود، آن کل پیچیده ای است که شناخت ها، باورها، هنر، اخلاق، حقوق، آداب و رسوم و دیگر توانایی ها یا عاداتی را که به وسیله انسان، به عنوان عضو جامعه کسب می‌گردد شامل می‌شود. (کوش، ۱۳۸۱)

##### گئورگ هرزو:

«گئورگ هرزو» می نویسد: فولکلور مسائل و بخشهایی از فرهنگ است که ابدی شده و با ادبیات شفاهی بیان میشود. در ایران هم اکثر کسانی که در زمینه گردآوری موضوعات فرهنگ عامه کار و تحقیق کرده اند تعریف هرزو را پذیرفته اند و عموماً فرهنگ عامه را مجموعه ای از «دانستنی‌ها» و اعمال و رفتاری دانسته اند که در میان عامه مردم سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود .

(سفیدگر شهنقی، ۱۳۸۸)

##### مالینوفسکی :

فرهنگ را «مجموعه» پاسخ‌های سازمان یافته انسان به نیازهای زیست‌شناختی (بیولوژیک) او تعریف کرد. در این معنی، او نشان می‌داد که هر یک از نیازهای انسان، که پیش از هر چیز یک موجود زیستی بوده و باقی خواهد ماند، نظیر تغذیه، سوخت و ساز، تولیدمثل، امنیت و سرپناه، حرکت، سلامتی، به گروهی از پاسخ‌های نخستین و بلافصل فرهنگی، اغلب در شکل ابزاری و گروهی از پاسخ‌های ثانویه و پیچیده‌تر فرهنگی به صورت مکانیسم‌ها و تقسیم کارهای اجتماعی انجامیده‌اند که جوامع انسانی را در شکل شناخته شده آن‌ها به وجود می‌آورند. این تعریف کارکردگرایانه را می‌توان با تعریف جامع‌تری که تلاش می‌کند عناصر مختلف متداخل در مفهوم فرهنگ را بیان کند به صورت زیر تکمیل کرد: «فرهنگ مجموعه‌ای از پدیده‌ها و قابلیت‌های مادی و معنوی اکتسابی است که انسان‌ها در جامعه‌ای خاص برای پاسخ‌دهی سازمان یافته به نیازهای ناشی از رابطه خویش با محیط طبیعی و با محیط انسان ساخت، به وجود آورده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. (فکوهی، ۱۳۸۲)



## دورکیم :

دورکیم فرهنگ (الگوهای عمل، باور و احساس) را برخاسته از نیازها و شیوه سازمان‌یافتگی ساختار اجتماعی و نه انتخاب یا تفسیر خود عامل از جهان اجتماعی می‌بیند. وی در مورد دین و آداب دینی به‌عنوان جزء محوری فرهنگ (البته در دیدگاه غیراسلامی به دین)، چرا که در نگاه اسلامی و در جامعه اسلامی، دین فرهنگ‌ساز به شمار می‌رود و نه جزئی از فرهنگ، خاطر نشان می‌کند که جوامع گوناگون هر از چندی به تناوب با برپایی آداب دینی گرد هم می‌آیند تا نیازشان را به نیایش امور مقدس برآورده سازند. دورکیم در خاتمه نتیجه می‌گیرد که دلیل واقعی وجود دین و آداب دینی نه پرستش خدایان، بلکه بازسازی پیوندهای اجتماعی بوده است. وی این نکته را مورد تأیید قرار می‌دهد که همه ادیان متضمن اعمال تشریفاتی و شعائر منظمی هستند که در آن گروهی از مؤمنان گرد هم می‌آیند و در مراسم تشریفاتی جمعی، حس همبستگی گروهی تأیید و تقویت می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۶)

## ۱-۷- قلمرو جغرافیایی و موضوعی تحقیق :

شهر گرگان مرکز استان گلستان است. گلستان نام جدید سرزمین تاریخی است که در طول تاریخ و تا سده هفتم هجری به نام ایالت گرگان و از آن پس تا آغاز سده دهم به نام استرآباد و در نوشته‌های دوران اولیه اسلامی به نام (جرجان) و از اسفند ۱۳۱۶ گرگان نامیده شده است. این استان تا سال ۱۳۷۶ بخشی از استان مازندران بود، اما در آن سال به صورت استانی مستقل درآمد و شهرستان گرگان به عنوان مرکز آن برگزیده شد. بیشتر شهرهای کنونی استان از دیرینگی چندانی برخوردار نیستند و از بزرگ شدن روستاها به وجود آمده‌اند و به عبارتی روستا شهر به شمار می‌آیند.

با توجه به وجود بافت قدیمی و وجود مناطق ۶ گانه شهر گرگان (سرپیر، دربنو، سرچشمه، میخچه‌گران، نعلبندان، سبزه‌مشهد و میدان) مطالعات میدانی و ثبت وضبط عناصر فولکلوریک و بررسی‌های مردم‌نگاری در این مناطق انجام گرفته است.

باورهای عامیانه که برگرفته از فرهنگ مردم منطقه می‌باشد شامل عناصری مانند: جشنها - عزاداریها - بازیهای سنتی و باورهای عامیانه است که این عوامل را بدلیل مشترک بودن در بین مردان و زنان بدرستی قابل تفکیک نمی‌باشد و با توجه به قرابت و نزدیکی اقوام ساکن در این مناطق و شناخت چهره به چهره یک نوع نزدیکی خاص اعتقادی و باوری وجود دارد که خود بیانگر اشتراکات فرهنگی بین ساکنین این مناطق می‌باشد. به عنوان مثال در برگزاری عزاداری سالار شهیدان ضمن وجود تکیا و مساجد متعدد یک نوع همبستگی و ارتباط معنایی در نحوه برگزاری و شعائر مذهبی به چشم می‌خورد.





### ۱-۸- اهداف تحقیق :

انسانها بر اساس شرایط طبیعی ، نیازهای زیستی باورها و اعتقادات معنوی ، اقتضاعات تاریخی، ارزشهای ویژه خود را شکل داده و به نسل های بعدی منتقل می کنند. فولکلور(فرهنگ عامه) یکی از نخستین جلوه های زندگی بشری است که نه آفرینندگان آن نامی از خود بجا گذاشته اند و نه تاریخی روشن دارد. به بیان دیگر فولکلور بازتاب گسترده ای از زندگی مادی و معنوی انسان است و به همین دلیل یکی از ارزشمند ترین نهادها برای بررسی گذشته و شناخت روشهای زندگی به شمار می رود. شناخت عوامل و عناصر فولکلوریک که توسط توده مردم ساخته شده ، بازتاب روشنی از اندیشه ها و سنت های آنان است که گذشته را به امروز پیوند می دهد.

فولکلور و ابعاد مادی و معنوی آن ، ویژگی عده خاصی از توده مردم نیست بلکه تمامی جوامع بشری با هر نوع ویژگی را شامل میشود، مردم در دوره های مختلف تاریخی با علم و آگاهی از محیط طبیعی خود ، برای رفع احتیاجات گوناگون ، دست به آفرینش و نوآوری می زنند. مردم شهر گرگان نیز همچون دیگر گروههای انسانی و اقوام ایرانی برای رفع نیازهای مادی و معنوی خود دست به آفرینش اشکال مختلفی از فرهنگ عامه و فولکلور از جمله : ترانه ها ، قصه ها ، ضرب المثل ها ، اصطلاحات عامیانه و آداب و رسوم و ... زده اند. ادبیات شفاهی مردم شهر گرگان بازتاب عناصر زنده و شیوه معیشت و شغل و بطور کلی اقتصادی ، دینی ، روابط اجتماعی ، اعتقادات و باور های عامیانه است. در تحقیق فوق سعی بر آنست که به این مسئله بپردازیم که:

" وجود باورها و عناصر فولکلوریک (تولد، ازدواج، مرگ ) چه تاثیری در زندگی مردم شهر گرگان دارد؟" که با توجه به موارد مطروحه و بررسی عناصر فولکلوریک رایج بین مردم گرگان نسبت به جمع آوری آن عناصر اقدام نموده و پس از بررسی های همه جانبه ، آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

### ۱-۸-۱- هدف کلی :

تحلیل و تبیین مردم شناختی فولکلور در بین مردم شهر گرگان ( مطالعه موردی: تولد، ازدواج، مرگ)

### ۱-۸-۲- هدف های جزئی :

- ۱- بررسی تنوع باورهای فولکلوریک در جنبه های مختلف فرهنگ مردم شهرستان گرگان
- ۲- بررسی میزان ارتباط باورهای فولکلوریک با شیوه امرار معاش
- ۳- بررسی نقش باورهای فولکلوریک در ایجاد آرامش روان در افراد
- ۴- بررسی نقش باورهای فولکلوریک در ایجاد تعاون، صمیمیت و همیاری میان افراد
- ۵- بررسی باورهای فولکلوریک دارای کارکرد و بدون کارکرد در فرهنگ مردم

### ۱-۹- (فرضیه های تحقیق):

- ۱- به نظر می رسد باورهای فولکلوریک در جنبه های مختلف فرهنگ مردم گرگان تاثیر دارد.
- ۲- به نظر می رسد باورهای فولکلوریک در شیوه امرار معاش افراد تاثیر دارد.
- ۳- به نظر می رسد باورهای فولکلوریک در ایجاد آرامش روان در افراد تاثیر دارد.
- ۴- به نظر می رسد باورهای فولکلوریک در ایجاد تعاون، صمیمیت و همیاری بین افراد جامعه تاثیر دارد.
- ۵- به نظر می رسد برخی باورهای فولکلوریک هنوز دارای کارکرد و برخی باورها کارکرد خود را از دست داده یا کم کارکرد تر شده اند.



## ۲- روش تحقیق :

در مطالعه رفتار فرهنگی مردم ، دیدگاه از درون (امیک) یعنی تعریف خود کنشگران از رویدادهای انسانی بدون اعمال دیدگاهی قوم مدارانه از طرف محقق، می باشد . اساس تحقیق و جمع آوری داده ها در علم مردم شناسی برای بررسی باورهای فولکلوریک، کار میدانی می باشد که بسته به نوع تحقیق، هر کار میدانی ابزارهای خاصی در اختیار محقق قرار می دهد، لذا اینجانب براساس کار تحقیقی خود و جامعه مورد بررسی از ابزارهای ذیل مدد گرفته ام:

۱- مشاهده مشارکت آمیز: برای هر کار مؤثر میدانی، اهمیت تعیین کننده ای دارد زیرا بسیاری از رفتارهای مشاهده پذیر «غیر گفتاری اند». طی تحقیق، محقق بایستی تنها خود مشاهداتش را ثبت کند نه استنباط هایش را. نظاره کردن، مصاحبه و حتی کاربرد آزمون های خاص برای اثبات تکرارپذیری مشاهدات، مشاهده مشارکت آمیز را به یک ابزار علمی تبدیل می کند.

۲- مصاحبه با اطلاع دهندگان اصلی: این روش برای کشف اطلاعات راجع به شیوه های زندگی که در زمان ورود محقق میدانی به صحنه وجود خارجی نداشته و یا دگرگونی های اساسی پیدا کرده اند، گریز ناپذیر است.

۳- اسناد و مدارک مکتوب: امروزه در بیشتر نقاط جهان، دولت ها و مؤسسات دولتی انواع مدارک را نگهداری می کنند لذا محقق میدانی بایستی تا آنجا که ممکن است برای دستیابی به داده های مبتنی بر اسناد رسمی از هیچ کوششی دریغ نکند.

## ۲-۱- جامعه آماری و روش نمونه گیری :

جامعه آماری در تحقیق فوق ساکنین محله های شش گانه شهر گرگان میباشد که با توجه به اینکه از روش توصیفی در مردم نگاری استفاده میگردد ، همچنین به علت عدم دسترسی به تمامی افراد جامعه آماری از روش نمونه گیری گلوله برفی و برای گرد آوری اطلاعات تحقیق از طریق مراجعه به اسناد و روش کتابخانه ایی می باشد که پس از مطالعه اسناد مدارک موجود از طریق روش کتابخانه ایی جهت بررسی بیشتر وغنا بخشیدن به تحقیق فوق ضمن مشارکت مستقیم ، از روش های مشاهده و مصاحبه با صاحب نظران و افراد مطلع اقدام شده است . در پایان با توجه به یافته های تحقیق نسبت به تحلیل و تبیین مردم شناختی عناصر فولکلوریک در بین مردم گرگان پرداخته می شود.

## ۳- یافته های تحقیق :

سه مرحله تولد، ازدواج و مرگ در جوامع مختلف از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده ، جزء وقایع مهم زندگی انسانها محسوب می گردند و هر یک از آنها با آداب و رسوم خاصی برگزار می شود که مسلماً این آداب نشات گرفته از طرز تفکر و اعتقادات خاص مردم آن قوم می باشد و با کارکردها و پیامدهای خاصی همراه است. مساله اصلی در این تحقیق چيستی تفکرها و باورها ، چگونگی پویایی آداب و رسوم ناشی از آن باورها وهمین طور مطالعه کارکرد ها و پیامدهای خاص این آداب می باشد.

زندگی دنیایی هر چند با فراز و نشیب و سختی و آسانی همراه باشد ، پیمودن خطی بین دو نقطه است. بنابراین طبیعی است که هیچ واقعه ای به اندازه تولد و مرگ در زندگی مهم نباشد، از این رو هر قوم و قبیله ای به تناسب دیدگاههای مذهبی، عقیدتی و فرهنگی خود ، تلقی خاصی از تولد و مرگ دارد و به گونه خاصی با آن برخورد می کند . مردم استرآباد و گرگان در پیمودن مسیر تولد تا مرگ با ره توشه هایی از



باورها، آیینها و آواها و زبانزدهای مخصوص، حماسه کار و زندگی را خلق می‌کنند. یعنی انسان در بستر زندگی و کار متولد میشود؛ گاه شادمان است و گاه غمبار، گاه سور دارد و گاه سوگ، گاهی در عروسی است و گاهی در عزا و در این رهگذر، عزیزترین یادگاری که برای نسل بعد از خود بر جای می‌گذارد، فرهنگ است.

رسیدن به سن بلوغ و گذار از دوران کودکی به دوران جوانی یکی از این مراحل است. در اقوام مختلف دنیا برای گذار از این مرحله، آیین‌های متفاوتی برگزار می‌شود؛ ازدواج از جمله این مناسک است. مراسم ازدواج که در اقوام مختلف به شکل‌های متفاوتی برگزار می‌شود، پیوند زناشویی بین دختر و پسر را به جامعه اطراف آنها ابلاغ میکند به طوری که آنها میتوانند رابطه‌ای که تا قبل از ازدواج نامشروع محسوب می‌شد را به رابطه‌ای مشروع و در چارچوب قوانین اجتماعی تبدیل کنند.

مناسک تولد، ازدواج و مرگ یک رابطه زیست‌شناختی است که آن را به رابطه‌ای انسانی و اجتماعی و متفاوت از بقیه موجودات زنده تبدیل می‌کند. به همین دلیل مسائل فوق‌علاوه بر جنبه زیست‌شناختی، جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز دارد.

### ۳-۱- تولد:

خانم حامله هرگز نمی‌بایست مرده نشسته را ببیند و گرنه چشم بچه او «شور» می‌شد. اگر چشمش به مرده می‌افتاد می‌باید مقداری نمک را روی سینه مرده می‌گذاشتند تا بعد از زایمان نمک را در آب حل کرده روز «حمام ۱۰» بچه را با آن می‌شستند تا رفع شوری چشم شود. زن حامله به ویژه زائو را تا حمام ده هرگز در خانه تنها نمی‌گذاشتند.

زایمان‌ها در خانه انجام می‌گرفت. خانم قابله «ماما» از مدت‌ها قبل زن حامله را زیر نظر می‌گرفت و در روز موعود همزمان با شروع درد، گل‌گاوزبان و زیره پلوئی را دم کرده به همراه نبات کوبیده به او می‌خوراندند. گاهی نیز برای تقویت و آمادگی بنیه زائو کباب گوشت یا جوجه، شربت قند یا آلبالو، عرق بیدمشک، تخم مرغ عسلی به او می‌دادند و سپس دوش آب گرم می‌گرفت.

خوردن کاجی و روغن داغ کرده به همراه نبات به زائو بسیار رایج بود ولی عده‌ای نیز که منطقی‌تر بودند سوپ و شیر به زائو می‌دادند. زائو و نوزاد را نمی‌باید تنها می‌گذاشتند و اگر ضرورتی هم پیش می‌آمد می‌باید قرآن یا تکه‌ای نان روی سر آنها می‌نهادند. ده روز بعد از زایمان «حمام ۱۰» مادر و نوزاد بود. روز چهارشنبه نمی‌باید حمام می‌کردند و گرنه «سنگین» بود. قابله‌ها سعی می‌کردند تا حمام ۱۰ مادر و نوزاد را تحت نظر داشته باشند. نوزاد در حمام ۱۰ توسط قابله با سدر شستشو داده می‌شد غالباً برای روز ۱۰ کل حمام برای مادر و نوزاد و زنان فامیل در اختیار گرفته می‌شد که «فرق کردن حموم» نام داشت نوزادان را در گهواره قرار می‌دادند، یا قندان می‌پیچیدند و به ندرت در «ننو» می‌خواباندند.

اطاق زائو و نوزاد را تا هنگامی که ناف نوزاد نمی‌افتاد نمی‌باید جارو می‌کردند و اگر اطاق جارو می‌شد می‌باید آشغال‌ها را زیر فرش همان اطاق نگه‌داری می‌کردند. اگر این کار را نمی‌کردند ناف نوزاد دیر می‌افتاد.

ناف نوزاد را بعد از افتادن داخل پارچه‌ای پیچیده در سوراخ دیوار می‌گذاشتند تا بچه در آینده باهوش و زیرک شود. سپس نوزاد را پیش یکی از افراد بزرگ و سرشناس فامیل که معمولاً پدربزرگ یا عمو و دایی بود برده تا در یک گوشه او اذان و در گوش دیگر او اقامه بگویند و



او را مسلمان کنند. زن زائو تا چهل روز نمی باید چشمش به زن زائو دیگری که ۴۰ روز از زمان زایمان او نگذشته باشد، می افتاد و گر نه «چله» می افتاد و بعد ها موجب نازائی او می گردید.

### ۳-۲- ازدواج و عروسی :

این اعتقاد و شعار عروس یافتن دراسترآباد قدیم بود که می گفتند: «دختر مخوای بگیری مارش نگاه کن» « بار عاروس گرفتن بایس کوش و چادر پاره کرد». برای انتخاب عروس اولین اقدام «دختر رج کردن» بود که غالباً در حمام، مسجد، روضه خوانی و عروسی ها انجام می گرفت. سپس مادر یا خواهر پسر برای خانواده دختر پیغام فرستاده و خواسته ی خود را مطرح می کردند بعد از اولین دیدار می گفتند: «شتر ما در خانه تان خسییده».

چندروز بعد مردان طرف پسر( و مردان طرف دختر) هر کدام جداگانه دعوت به نهار می شدند و همان شب را که اصطلاحاً «بله برون مردانه» می رفتند تمام حرف ها در مورد مهریه، شیر بها، جهیزیه ویا مراسم عقد و عروسی را به پایان می بردند.

شیر بره قبل از ظهر و غالباً روز قبل از عقد انجام می شد. داخل سینی های بزرگ مسی «مجمع» یک سطل شیر، یک سطل ماست، ماهی بزرگ، قراول (برای طبقات بالا و خروس برای طبقات پایین)، کله قند، بسته ی چای، پنیر، جعبه ی شیرینی، یک دست لباس زیر و رو برای عروس قرار داده و آن را برای عروس می بردند. این مجمع ها را «خنچه» می نامیدند.

در گذشته ی دور قبل از حنابندان مراسم «مارانه» نیز می گرفتند و آن «عبارت از جشنی بود که مادر عروس می گرفت و دختران جوان فامیل و همسایه به ویژه دوستان عروس (دختر خود را) دعوت می نمود. عروس در این مراسم یک دست خود را بر روی سر نگه می داشت تا مادر شوهر کف دست او هدیه ای ارزشمند (مثل ۵ یا ۱۰ مناتی طلا) بگذارد. سپس پاشیدن نقل و رقص و آواز آغاز می شد. غالب مسئولیت ها و شادمانی مراسم حنابندان را رفقای عروس به عهده می گرفتند. بعد از فرستادن شام حنابندان که به خرج داماد در دیگ های بزرگ پخته می شد و به خانه ی عروس حمل می گردید.

قبل از حمام عقد و عروسی، مراسم «بند عاروس» یا «بند اندازی» بود. نخست مادر عروس یک عدد ۵ یا ۱۰ مناتی طلا به پیشانی عروس می چسباند (که هدیه بند انداز بود) سپس زنی را برای بند انداختن صورت به خانه می آوردند.

آنگاه «حموم عاروسی» انجام می شد. داماد یکی از حمام های عمومی شهر را کاملاً در اختیار می گرفت که به آن «حموم قرق کردن» نیز می گفتند. تمام فامیل های عروس و داماد به حساب داماد به حمام می آمدند. در داخل حمام عده ای به شستن عروس مشغول می شدند و عده ای نیز با کوبیدن بر ظروف مسی داخل حمام، مخصوصاً لگن مرسی (لگن مسی) هلهله به پا می نمودند.

عروس را پس از شستن و پوشیدن لباس نو با جنجال و هایشا هاشا از کوچه ها گذرانده به خانه می آوردند و به رقص و پایکوبی ادامه می دادند و جلوی پای عروس گوسفند می کشتند. پس از مشخص کردن «ساعت» که عبارت از یافتن ساعات و وقت خوش یمن بود که توسط بزرگان محل یا فامیل ها (یا روحانیون) معین می شد، مراسم «عقد» برپا می گردید. عقد غالباً شب بعد از حنابندان بود.





در زمان ساییدن قندیکی از زنان طرف عروس ، نخى را (که غالباً ۷ رنگ بود) بدون گره به حاشیه پارچه ی روی سر عروس که قند روی آن می‌ساییدند به نیت بستن زبان مادر شوهر (یا خواهرشوهر) مرتب کوک می‌زدند. «لفظانه» پولی که از طرف داماد داخل «کاسه ی آب عقد» که بر سر سفره ی عقد می‌نهادند انداخته می‌شد ، این پول به مادرعروس تعلق می‌گرفت ، نزدیک غروب «آقا» می‌آمد تا «لفظ» بپرسد (بله گرفتن از عروس) . بعد از بله گرفتن از عروس که با اجازه گرفتن از پدر و مادر همراه بود خطبه عقد جاری می‌شد، سپس بعد از خواندن خطبه عقد عروس و داماد را به حیاط آورده و زیر درختی سبز بر روی سرشان سینی می‌گذاشتند و آب سفره عقد را بر روی سینی می‌ریختند، آنگاه هایشا هایشا (هلهله) و «مبارکباد دادن» اوج می‌گرفت و ساعتی بعد اطاق خلوت می‌شد و داماد رسماً" به دست عروس حلقه می‌زد، سپس خوردن چای و شربت و شیرینی ادامه می‌یافت.

شام عروسی مهمترین بخش از مراسم عروسی می‌باشد، که جزو وظایف خانواده داماد میباشد و با دعوت کردن از فامیل ها ، دوستان و آشنایان وحتىی همسایه ها دو هدف بدنبال دارد : یکی اینکه سنت ولیمه دادن رعایت شده وهدف دیگر آنکه ازدواج رسمی فرزندان (عروس و داماد) رسماً" اعلام می‌گردد. پس از صرف شام تعدادی از جوانان سوار بر چهارپا (عموماً در قدیم اسب و در دهه های اخیر وسایل نقلیه) کوچه به کوچه عروس را به خانه ی داماد می‌برند. در نزدیکی های خانه داماد «شاباش» شروع می‌شد. جمعیت می‌گفتند : **هاشا باش ، هاشا باش ، عاروس آوردیم ، هاشا باش ، ...** و شروع به «چکه بروش» (کف زدن) می‌نمودند. عروس را در خانه ی داماد بر روی بلندی می‌نشانند و مراسم «عاروس تماشا» انجام می‌گرفت. قابل ذکر است که موقع بردن عروس به خانه داماد پدر عروس می‌باید پول داخل کفش عروس می‌گذاشت. جلو خانه داماد نیز در زمان پیاده کردن عروس ، عده ای از طرف داماد اول هدیه ای می‌گرفتند ، سپس عروس را پیاده می‌نمودند.

اواخر شب مراسم «شب زفاف» به همراه دو ساقدوش (یکی برای داماد و دیگری برای عروس) انجام می‌شد. عموماً پدر یا عمو یا برادر بزرگ تر عروس یا داماد ، آنها را دست به دست می‌دادند و آرزوی خوشبختی شان به خانه بخت می‌روند، که در این زمان اصطلاحاً " شعری را می‌خوانند: (که نشان آرزو و افتخار پدر داماد می‌باشد): **شب زفاف کم از صبح پادشاهی نیست به شرط آنکه پسر را پدر کند داماد**

روز بعد از شب عروسی «رونمانه» یا مراسم «پاتختی» بود. زنان فامیل عروس و داماد روز پاتختی رونمانه (هدیای) خود را تقدیم می‌کردند که غالباً پول بین «۳ قران تا ۲ تومن» بود. در این جمع که معمولاً بعد از ظهرها انجام می‌شد از طرف داماد یک نفر و از طرف عروس هم یک نفر انتخاب شده هدایا را که متعلق به هر شخصی بود با صدای بلند اعلام می‌کردند و تحویل می‌گرفتند. مهمانان نیز تا اوایل شب به خوردن کاجی (ترکیبی از آرد ، روغن ، شکر و زعفران) ، تخم مرغ خاگینه (تخم مرغ همزده با شکر) ، نان های کوچک محلی ، آجیل ، شیرینی و چای می‌پرداختند. بعد از مراسم پاتختی دعوت عروس و داماد (مراسم پاگشا) به نهار یا شام از سوی فامیل دو طرف آغاز می‌گردید.



بین روز های ۱۰ تا ۱۵ بعد از عروسی نیز عروس را به «حموم لنگ زنان» می بردند. در این روز زنان و دوستان نزدیک عروس (که یک جمع خصوصی می باشد) در حمام جمع می شدند و دست و پای عروس را حنا می کردند عروس لنگی به تن می کشید که به آن «لنگ دارایی» یا «ظل سلطان» می گفتند، که با شادی و پایکوبی و پذیرایی در حمام از مهمانان به جهت تشکر از زحمات دوستان و همکاری در عروسی می باشد انجام می شد.

### ۳-۳- مرگ و سوگواری :

سوغ به عنوان واقعیتی مسلم در زندگی قومی مردمان ایران زمین از دیرباز جایگاه مهمی داشته است و آیینهای متنوعی که برای جلوه دادن سوگ پدید آمده اند، حکایت از اهمیت این مقوله برای ایرانیان دارد.

مراسم سوگ در استرآباد و گرگان با مجموعه ای از تشریفات و آداب و رسوم همراه است که با وجود برخی ، تفاوت ها در برخی اقوام وجوه تشابهی بین همه آنها وجود دارد . بدین معنی که این آداب و سنن به طور کلی باعث تحکیم روابط اجتماعی و فرهنگی بین مردم میشود .

وقتی فردی وفات مییابد ، جسد متوفی را غسل میدهند و کفن می کنند و جسد را در تابوتی چوبی می گذارند خانواده متوفی نیز به همه اقوام و آشنایان اطلاع میدهند و منتظر می مانند که همه مردم جمع شوند بعد متوفی را به خاک می سپارند . در استرآباد هیچگاه شب هنگام مرده را دفن نمی کنند و چنانچه یک نفر شب هنگام فوت کند در منزل خود می ماند و چشم و دهان متوفی را با پنبه و پارچه سفید بسته و رویش را ملحفه سفید قرار می دهند و در بالای سر فرد متوفی قرآن مجید قرار داده و برق اتاق را روشن نگه میدارند ، همچنین مراسم تدفین و تشییع جنازه او را به روز بعد موکول می کنند .

مراسم تدفین و تشییع جنازه با سوگواری و حزن زیاد انجام می گیرد . فرد متوفی را معمولاً " از محل زندگی اش یا مسجد محله بر روی دستان خانواده ، فامیل و آشنایان تا محل غسلخانه حمل می نمایند . پس از شستشوی و غسل و کفن در گرگان جنازه را بسوی امامزاده عبدالله برده و چند نفر تابوت را به داخل حرم مطهر برده و هفت مرتبه طواف داده و سپس به بیرون حرم انتقال داده تا مراسم نماز میت توسط روحانی مشخص شده اجرا گردد. پس از اجرای مراسم نماز میت ، تابوت فرد متوفی بسوی محل دفن (آرامگاه ابدی) که از قبل تعیین شده انتقال می یابد. در تمامی مراحل حمل تابوت حاضرین با هماهنگی مداح با سر دادن شهادتین متوفی رابه خانه ابدی اش مشایعت می کنند. پس از تدفین ، اگر متوفی پسر جوان و ازدواج نکرده باشد، روز تشییع جنازه برایش سینی حنا تهیه نموده و بر سر قبر می آورند . پس از مراسم خاکسپاری چند نفر از مردان خانواده عزادار و بزرگترهای فامیل در صفی منظم می ایستند ، بعد مردان و زنانی که برای شرکت در مراسم و گفتن تسلیت به صاحبان عزا آمده اند به اصطلاح سر سلامتی میگویند . پس از رفتن شرکت کنندگان در مراسم زنان صاحب عزا هم مثل مردان کنار قبر حلقه میزنند و بر سر و روی خود می کوبند و شیون می کنند.

مراسم سومین ، هفتمین ، پانزدهمین ، چهلمین و سالگرد درگذشت شخص متوفی با اطلاع دادن روز مراسم به اقوام و آشنایان (قبیلا" حضوری بوده ولی امروزه از طریق تلفن ، ارسال کارت دعوت یا شبکه های اجتماعی ) برگزار میگردد، همچنین آماده کردن مواد و وسایل



پذیرایی مانند حلوا ، خرما و سایر اقلام و تدارکات آن به توانایی مالی خانواده صاحب عزا و موقعیت و نفوذ متوفی بستگی دارد. البته امروزه، غنی و فقیر این مراسم را تمام و کمال برگزار می کنند و برای این مراسم متحمل هزینه های سنگین می شوند که بخشی از این هزینه ها اغلب با کمکهای مالی بستگان جبران می شود. (در قدیم کسانی که در مراسم شرکت می کردند ، قبل از مراسم به خانه متوفی می رفتند و مبلغی را به عنوان کمک به عزا و ماتم به خانواده متوفی پرداخت می کردند). در واقع ، اهدای این پول کمک به بازماندگان در برگزاری مراسم است . در روزهای سوگواری و پس از اتمام مراسم از مسجدیا خانه، همگی به آرامگاه فرد متوفی میروند و فاتحه ای می خوانند. روی آرامگاه متوفی پرده یا قالیچه ای پهن می کنند و حلوا ، خرما ، میوه و سایر مواد را روی آن می گذارند و در طول مراسم آنها را بین کسانی که در آنجا حضور دارند ، پخش میکنند تا شرکت کنندگان برای شادی روح متوفی فاتحه ای قرائت کنند ، اقوام نزدیک (معمولاً زنان) دور آرامگاه حلقه میزنند و میوه و شیون می کنند . میوه ندایی است که در وصف عزیز از دست رفته خوانده می شود. میوه معمولاً از سوی زنان برای مردها و در کنار قبر یا تابوت متوفی خوانده می شود . میوه ها آنقدر با سوزوگداز خوانده می شود که دل هر شنونده ای را به درد می آورد. در تمام مدت مراسم مردان فامیل در یک صف میایستند و مردان و زنان دیگر ، دسته دسته برای تسلیت پیش آنها می روند و با آرزوی سلامتی و بقای عمر بازماندگان ، به آنها تسلیت می گویند . در گذشته، وقتی شخصی فوت می کرد ، مردان نزدیک به افراد خانواده متوفی ریشها را نمی تراشیدند و زنان نیز آرایش نمی کردند. امروزه این سنت تا حدودی کمرنگ شده است و اغلب در مراسم روز سوم خانواده متوفی اعلام می کند که اقوام نزدیک از عزا درآیند و اگر کسی برای احترام به آنها ، کسب و کار خود را تعطیل کرده است ، به سر کار و زندگی خود در گذشته، اقوام ، آشنایان و حتی همسایگان بعد از روز سوم یا هفتم به خانه متوفی می رفتند و در نظافت کردن و مرتب نمودن کارها به آنها کمک می کردند. همچنین سر مردان صاحب عزا را اصلاح میکردند و ریشهای آنها را می تراشیدند .

سوگ و عزا در میان این اقوام مجموعه ای از سنت، عرف و قوانین کهن همراه با بینشهای اعتقادی و دینی به جای مانده از روزگاران گذشته است . آنچه در مراسم عزاداری این دیار قابل توجه است، روح همکاری و تعاون مردم استرآباد و گرگان (اعم از خویشان، بستگان، اقوام و همسایگان ) در هنگام اجرای آنهاست . در این شرایط، افراد بیشتر به هم نزدیک می شوند و حس همبستگی قومی و قبیله ای در این موقعیت بیشتر نمود پیدا می کند و اگر کینه و کدورتی بین آنها وجود داشته باشد، آنها را از یاد می برند و دوستی و یکدلی جایگزین آن می شود . در قدیم و بعضی از اقوام تائکونپولی به عنوان کمک به خانواده صاحب عزا می دهند و گاه در پایان مراسم، مبلغی برای صاحب عزا باقی می ماند ، در اینجاست که این مراسم و سنت ها و روش های آن به عنوان یکی از بهترین نمونه ی همبستگی طایفه ای جلوه گر می شود . مردم گرگان به برپا داشتن مراسم سوگ و عزاداری بیش از عروسی اهمیت می دهند ، حتی کسانی که از نظر دارایی وضع مناسبی ندارند ، برای حفظ شأن خانوادگی و طایفه ای و سرشکسته نشدن در مقابل مردم ، مخارج هنگفت را متحمل می شوند.



## ۴- نتیجه گیری :

انسان ها به لحاظ روحی و روانی از وحدت برخوردارند و همین نکته باعث و بانی وجود شباهت در انسان ها و موارد مربوط به فولکلور در نقاط مختلف جهان می باشد. از طرفی هر فرهنگی در طی قرون متمادی با فرهنگ های دیگر برخورد و ارتباط می یابد و به تبادل می پردازد و وجوه اشتراک بین آنها پدید می آید که موجب احساس همبستگی های بشری و پیدایش روحیه مسالمت آمیز بین ملت ها می شود. چنانکه بیان شد ، باورهای فولکلوریک به نوعی باعث ایجاد همبستگی و تعاون اجتماعی و همچنین نوعی وحدت روانی و احساس آرامش در افراد در سطح وسیع می گردد که این قابل تعمیم در سطح خردتر مثلاً فرهنگ یک شهر یا روستا می باشد .

در این تحقیق به بررسی تأثیر باورهای فولکلوریک مردم شهر گرگان بر میزان امرار معاش ، میزان ایجاد آرامش روان ، میزان ایجاد تعاون و صمیمیت میان افراد ، بررسی باورهای دارای کارکرد و بدون کارکرد و همچنین بررسی باورهای فولکلوریک در جنبه های متنوع فرهنگ عامه مردم گرگان، پرداخته شده است.

۱- از آنجایی که شهر گرگان دارای سابقه تاریخی بسیار طولانی است و به تأثیر از دیگر فرهنگ های مجاور و تجاری که در شهر رفت و آمد می کردند، فرهنگ مختلفی را شکل داده که بیشتر باورهای متشکله آن را باورهای فولکلوریک با جنبه مذهبی و اجتماعی شامل می شوند. با نفوذ هرچه بیشتر اسلام در ایران و بخصوص منطقه گرگان و استرآباد ، نذر و نیاز کردن برای امامزادگان و مکان های مقدس و متبرک، انتخاب اسامی ائمه برای نوزادان به منظور متبرک شدن او و شفاعتش در روز قیامت، عقیده کردن کودک، قداست قرآن و ... پر رنگ تر شده و همگی نمونه هایی می باشند که از باورها و اعتقادات مذهبی مردم نشأت می گیرند که بیشترین جنبه باورهای فولکلوریک مردم این شهر را به خود اختصاص می دهد.

۲- از تحقیقات انجام شده، این موضوع استنباط می شود که تمامی مراسم، مناسک، جشن ها و اعیاد موجود در فرهنگ عامه مردم گرگان مساوی با نوعی کارآفرینی می باشند؛ بدین معنا که هنگام بارداری، زایمان، مراحل مختلف تا جشن عروسی، مراحل مختلف مراسم مرگ، برگزاری تمامی جشن ها، اعیاد و سوگواری ها، همه و همه نوعی تقسیم کار و کارآفرینی حاصل می شود. ماما، دعانویس، دلاک حمام، سلمانی، زن بندانداز، مشاطه گر، کتل بند، حلاج، گروه نوازندگان و سیاه بازان و ... نشانه هایی از رابطه زندگی تولیدی و امرار معاش افراد با باورها و اعتقادات مردم می باشند.

۳- اجرای تمامی مراسم، جشن ها، اعیاد و سوگواری های موجود در فرهنگ عامه مردم گرگان و استرآباد در واقع باعث می گردد که مردم آن چیزی که جزو باورها و اعتقادات و اندیشه های ایشان می باشد را تحقق یافته ببینند و همین نوعی احساس آرامش روان و خاطر در آنها ایجاد می کند. همین احساس و برآورده شدن آن است که باعث پایداری و ثبات بعضی باورها و اعتقادات در میان مردم می گردد.

۴- طی تحقیق و گردآوری داده های مربوطه، اثبات می گردد که باورهای فولکلوریک با ایجاد تعاون و صمیمیت میان افراد یک جامعه رابطه کاملاً منسجمی دارند. در اجرای تمامی مراسم که همه نوعی کار دسته جمعی می باشند ، بایستی همواره تقسیم





کار وجود داشته باشد که در نتیجه آن تعاون و در نهایت صمیمیت حاصل می گردد تا آنجا که بدون وجود این عوامل کاری پیش نخواهد رفت: پختن دسته جمعی آش بی بی فاطمه برای مراسم طلب باران ، حضور بزرگان و ریش سفیدان در مراسم مختلف، پختن فتیر دسته جمعی، آذین بستن در اعیاد یا پارچه های مشکی بستن در سوگواری ها به دیوارهای کوی و برزن، همکاری همه جانبه در مراسم سوگواری امام حسین(ع)، بدرقه و استقبال مسافر، برگزاری مراسم گل ریزان به منظور جمع آوری اعانه یا خوش آمد به یک پهلوان و ... نمونه هایی از اثبات موضوع تحقیق می باشند.

۵- هنگامی الگوهای رفتاری شکل می گیرند که از نظر کارکردی مفید باشند ولی به تدریج که جامعه از حالت سنتی به مدرن تغییر می یابد دیگر نیازی به الگوهای قبلی نبوده و الگوهای جدید جایگزین می شوند. الگوهای جدید متناسب با ساختارهای جدید به توسعه برای برآورد نیازها سر بر می آورند و با تغییر نیازها از بین می روند و گاه به دلایل اقتصادی ، سیاسی و یا مذهبی به دست فراموشی سپرده می شوند. ناف بر کردن نوزاد دختر برای پسری از فامیل، بزک نکردن دختران مجرد، عدم ملاقات دختر و پسر طی دوران نامزدی و عار دانستن آن، دست به دست دادن دختر و پسر در شب زفاف، قاشق زنی، فال گوش ایستادن یا کلیدزنی دختران دم بخت، نمادها و سمبل های محتویات سفره هفت سین نوروز، اساس مراسم سیزده به در و ... نمونه هایی از باورهای فولکلوریک در حال فراموشی یا فراموش شده و بدون کارکرد در عصر حاضر می باشند. لازم به ذکر است که در کنار این باورهای بدون کارکرد، همچنان می توان نمونه های بسیار غنی از باورها و اعتقاداتی را نام برد که با گذشت زمان و تغییر شرایط سیاسی، نظامی، اقتصادی و مذهبی کارکرد خود را حفظ کرده اند: حضور بزرگسالان و ریش سفیدان و احترام به ایشان در تمامی مراسم، نذر و نیاز کردن برای مکان های مقدس، استفاده از اسپند و نصب خرمهره برای دفع چشم زخم، اجرای مرحله به مرحله مراسم تولد، ازدواج و مرگ ...

#### ارائه پیشنهادات:

فولکلور و عناصر فولکلوریک مردم گرگان و استرآباد با اینکه از غنا و عظمت خاصی برخوردار است متأسفانه کمتر مورد تحقیق و تحلیل قرار گرفته است. کسانی هم که به فرهنگ مردم عنایتی داشته اند، اغلب به گردآوری مواد آن پرداخته و از پژوهش در آن و بررسی و تحلیل غافل مانده اند. بخش عظیمی از فرهنگ غنی و استوار این مردم ، شفاهی و سینه به سینه می باشد. لذا برای بررسی این حوزه از فرهنگ لازم است تا به مدد روش های مردم شناسی، عناصر فرهنگ شناسایی و ثبت و ضبط گردند.

وظیفه ی ما این است که فولکلور اقوام و قومیت های مختلف ایران را شناسایی، تدوین و جمع آوری نماییم و از این میان، آنچه را که مثبت و سازنده است، در جامعه ترویج دهیم تا از فراموش شدن آنها جلوگیری به عمل آید. به هر حال نباید فراموش کرد که دسته ای از این افکار و آداب و رسوم، نه تنها پسندیده اند، بلکه از یادگارهای روزهای پرافتخار ایران نیز به شمار می آیند (مانند: جشن های نوروز، تیرگان، مهرگان سده و ...) که زنده کردن و نگهداری آنها یا بازسازی و الگو برداری از آنها، از وظایف مهم ملی محسوب می شود و باید بدانیم که امروزه، ملت هایی می توانند در عرصه ی فرهنگی، استوار بمانند و حرفی برای گفتن داشته باشند که بتوانند فرهنگ اصیل خود را حفظ کنند و آن را از خطر هجوم فرهنگ های مهاجم، در امان نگه دارند.



امروزه متأسفانه دیده می شود که بعضی از جوانان ما، به دلیل نداشتن شناخت صحیح از فرهنگ خود، سخن گفتن به زبان محلی و یا لباس پوشیدن به شیوه ی پدران و اجداد خود را نوعی بی فرهنگی و مایه ی ننگ و عار خود می دانند و این موضوع، مخصوصاً در مورد ایرانیانی که به خارج از کشور مهاجرت می کنند، بسیار بیشتر صدق می کند؛ چرا که به محض خروج از کشورشان، هویت فرهنگی خود را تا حد زیادی فراموش می کنند و در فرهنگ جدید، حل می شوند و این در حالی است که آنها باید سفیر فرهنگی ایران باشند و از ارزش ها و فرهنگ سرزمین مادری خود، دفاع کنند و آن را انتقال دهند. همان طور که مثلاً یک ژاپنی، هر کجای دنیا که باشد، یک ژاپنی است، با همان فرهنگ و گاهی حتی پوشش سنتی خود! به امید آروز .....

شعری در وصف گرگان :

هزاران نکته مستوره دارد      که گرگان ریشه در اسطوره دارد



### منابع و ماخذ:

- ۱- احمد پناهی ، محمد، ۱۳۷۷، ترانه و ترانه سرایی در ایران، تهران ، انتشارات سروش
- ۲- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم ، ۱۳۷۱، گذری و نظری در فرهنگ مردم ایران ، تهران ، انتشارات اسپرک
- ۳- آربن پور، یحیی ، ۱۳۷۴، از نیما تا روزگار ما، تهران، انتشارات زوّار
- ۴- بلوکباشی، علی ، ۱۳۵۶، فرهنگ عامه ، تهران ، انتشارات وزارت آموزش و پرورش
- ۵- سادات اشکوری ، کاظم، اشاره به مردم شناسی در ادبیات مکتوب و ادبیات شفاهی ، نامه علوم اجتماعی ، شماره ۱۱ ، ۱۳۷۷، ۶۵
- ۶- سادات اشکوری، کاظم، ترانه های عامیانه ، نمونه هایی دلکش از سرایندگان ناشناخته، نشریه گپله وا، شماره ۳۹ ، ۱۳۷۵ ، ۲۰
- ۷- سجادی ، سید محمود، سایت مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ([www.cgie.org.ir/fa/news](http://www.cgie.org.ir/fa/news))، ۱۳۹۴
- ۸- سجادی، سید محمود، ۱۳۷۸، نگاهی به پژوهش های فرهنگ عامه در ایران، مجله کیهان فرهنگی، ش ۱۵۴
- ۹- سفیدگر شهنقی، حمید، ۱۳۸۸ ، ترانه های کار در آذربایجان، تهران ، انتشارات طرح آینده
- ۱۰- شفا، شجاع الدین، ۱۳۵۱، جهان ایران شناسی، جلد ۲، تهران، انتشارات کتابخانه پهلوی (سابق)
- ۱۱- طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۵۲، سیر فرهنگ در بریتانیا، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی
- ۱۲- فکوهی، ناصر، نشریه خرداد، شماره ۳ ، ۱۳۸۲
- ۱۳- کوش، دنی، ۱۳۸۱، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحیدا ، تهران ، انتشارات شروش
- ۱۴- کریستن سن، آرتور، علم اساطیر، مجله ایران شهر (مجله مصور، علمی و ادبی) س ۱، ش ۶ ، ۱۳۴۱
- ۱۵- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ نوزدهم ، تهران ، انتشارات نی
- ۱۶- مارزلف، اولریش ، ۱۳۷۱، طبقه بندی قصه های ایرانی، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، انتشارات سروش
- ۱۷- ماسه، هانری، ۱۳۵۵، معتقدات ما ایرانیان، ترجمه مهدی روشن ضمیر، جلد ۲، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز
- ۱۸- مظاهری ، سهراب،، نشریه نجوای فرهنگ ، شماره ۶ و ۵ ، ۱۳۸۶
- ۱۹- هدایت ، صادق، مقاله جمع آوری فرهنگ عامه، مجله سخن، شماره ۳ ، ۱۳۸۴